زن از دیدگاه اسلام

پدید آورنده : اعظم نوری ، صفحه 2

زنان در طول تاریخ به دلیل قدرت بدنی ضعیف تر در مقابل مردان و تفکرات غلط و برخی آداب و رسوم اشتباه همواره مورد ظلم و ستم قرار گرفته اند. پیش از اسلام در بین اعراب جاهلی و پیش از قرون جدید در اروپا او را فاقد ماهیت انسانی می دانستند و جزو شیاطین یا چارپایان قرار می دادند و زمانی او را جزو اموال مردان خانواده می دانستند که به راحتی خرید و فروش می شد. در روزگار حاضر نیز با شعارهای دروغین و سخن راندن از حقوق از دست رفته شان آنها را فریفته و برای منافع خود، وجودشان را به بازی می گیرند.

حتی در یهودیت و کتب تحریف شده شان نیز، زن ارزشی بالاتر از این شأن دارا نیست.

«عقیده یهود (خدای یهود) چنین بود که در آخرین بند از وصایای دهگانه اش به موسی زنان را در ردیف چهارپایان و اموال غیر منقول ذکر کرده و قوم یهود هم مانند همه اقوام جنگجو زن را مایه مصیبت و بدبختی می دانستند و فقط وجود او را از آن رو قابل تحمل تلقی می کردند که زن یگانه منبع تولید سرباز بوده است.»

در جاهلیت عرب نیز وقتی به مردی خبر می رسید که صاحب دختری شده به تعبیر قرآن صورتش از خشم و غضب سیاه می شد و در اولین فرصت دختر کوچکش را زنده زنده در گور می کرد تا ننگ دختر دار شدن را از پیشانی اش پاک کند. وقتی هم که مردی می مرد زنان و دخترانش به همراه سایر اموالش به پسرش می رسید تا مالک جدید آنها شناخته شود. طبق رسم معمول عرب نیز چیزی از ارث و مال پدران به دختران نمی رسید تا مبادا به همراه آنان به خانواده ها و قبایل دیگر منتقل شود.

در چنین شرایطی با ظهور دین اسلام با تمام رحمت و مهربانی بی بدیل پیام آورش همه چیز دگرگون می شود. خداوند حکیم به پیامبر اعظم (صلی الله علیه و آله)، دختری عطا می کند تا او با رفتار عاشقانه و پر از عاطفه و کرامتش زن را اصالتی دوباره ببخشد و مفهوم کوثر را به همه جهانیان بنمایاند؛ در مقابل کسانی که او را به خاطر نداشتن پسری ابتر می خواندند. پیامبر رحمت در این زمان و شرایط دشوار با چه مشکلاتی توانست سنتهای ناروای عرب جاهلی را در مورد زنان ریشه کن کند. دین اسلام در چنین شرایطی به دفاع از حقوق زنان می پردازد و ماهیت انسانی زن و مرد را یکسان می داند و ملاک برتری را تنها در تقوا و پرهیزگاری معرفی می کند. پیامبر اسلام نیز در تمام دوران زندگی با رفتار پر مهر و عطوفتش با زنان و ادای حقوق انسانی شان و سفارش مردان به پرهیز از خشونت در مورد زنان، انقلابی عظیم در شیوه نگرش نسبت به زنان پدید آورد و اسلام به عنوان کامل ترین دین و بهترین برنامه زندگی انسانها در همه موارد نقش زیادی در کمال و تعالی زنان و دفاع از حقوق آنها داشته است.

بر خلاف نگرش افراطی فمینیستی در مورد زنان که گویی برای دفاع از حقوق زن راهی جز ایجاد شرایط و حقوقی مردانه و خروج از جایگاه زنانه برای آنها نمی شناسند. اکنون مواردی از توجّه و جهت خاص دین اسلام نسبت به زنان را ذکر می کنیم.

1- خوشرفتاری با زنان در خانواده

بیش ترین توصیه ها در مورد زنان درباره خوشرفتاری و معاشرت نیکو با آنان است. خداوند در سوره نساء می فرماید:

(... و عاشِرُوهُنَّ بالمعروف...)؛ «با زنان به نیکی (و مهربانی) رفتار کنید».

قرآن کریم حتی در موارد طلاق که معمولاً توأم با کینه توزی و آزار روحی است به مردان دستور می دهد که رفتاری به دور از خشونت درباره زنان داشته باشند؛

(و إذا طلّقتُم النِّساءَ... سَرِّحُوهُنَّ بِمَعْروُفٍ...)

«هرگاه زنان را طلاق دادید و مهلتشان سرآمد، یا آنان را به نیکو وجهی نگه دارید یا به وجهی نیکو رها سازید.

در آیه دیگری نیز خداوند در مورد زنان امر به معروف می کند و تأمین نیازها و ضرورتهای زندگی مادران را بر اساس معروف بر عهده مردان قرار می دهد.

(... وَ عَلَی الْمَوْلُودِ لَهُ رزقُهُنَّ و کِسْوَتُهنَّ بِالْمَعْروُفِ...)

«بر عهده صاحب فرزند است که خوراک و لباس زنان را به وجهی نیکو تأمین کند».

در آیه، بر تأمین نیازهای زنان بچه دار به آن چه عرف جامعه است تأکید شده است؛ یعنی با توجه به دوران بارداری و شیردهی که همراه با تغییراتی در سیستم جسمی و روحی مادر است، مرد ملزم می شود تا با رفتاری نیکو و ایجاد محیط آرامش بخش در گذران این دوره به مادر و کودک کمک کند. در این سه آیه خداوند در مورد زندگی با زنان و طلاق همچنین دوران بارداری و شیردهی آنان به مردان سفارش می کند به نحو معروف با او رفتار کنند.

رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) نیز در مورد رفتار محبّت آمیز در مورد زنان می فرماید:

«بهترین شما کسی است که برای زن و دترانش بهترین باشد و همچنین می فرماید:

«ما اَکْرَمَ النِّساءَ اِلاّ الْکَریمُ وَ لا اَهانَهُنَّ اِلاّ اللّئیمُ.»

«تکریم نمی کند زنان را مگر فرد کریم و اهانت روا نمی دارد به آنان مگر فرد فرومایه و پست».

2- دوستی زنان و برتری ایمان

در روایات اهل بیت آن قدر بر محبت و دوستی زنان تأکید شده است که این مسئله ملاکی برای سنجش ایمان افراد مؤمن شناخته می شود. البته این امر به معنای شهوت باری مردان و اطاعت بی چون و چرای مردان از زنان نمی باشد بلکه منظور نیکی کردن و محبت به آنهاست که در زندگی مشترک باعث آرامش و در نتیجه کمال و تعالی طرفین می شود؛ به همین دلیل است که از ازدواج به عنوان کامل شدن نیمی از دین یاد شده است. امام صادق (علیه السلام) می فرماید:

(اَلْعَبْدُ کَلَّما اَزدادَ لِلْنِساءِ حُبّا اِزْدادَ فِی الایمانِ فَضْلاً)

«انسان آن گاه که زنان را بیش تر دوست داشته باشد ایمانش فزونی می یابد.»

پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) نیز فرموده است:

«نزدیک ترین شما به جایگاه من در روز رستاخیز، کسانی هستند که با همسرانشان بهتر رفتار کنند.»

همچنین در حدیث آمده است:

(مِنْ اَخْلاقِ الانْبِیاءِ حُبُّ الْنِّساءِ)

«دوستی و محبت به زنان از اخلاق پیامبران است».

3- مبارزه با تفکر غلط برتری انگاری پسر

قبل از ظهور اسلام، داشتن پسران بیش تر افتخار بزرگی برای خانواده ها محسوب می شد و داشتن دختر ننگ و عار به شمار می رفت و یکی از دلایل زنده به گور کردن دختران همین تفکر غلط رایج در میان آنها بود. پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) با برخورد کریمانه اش با دختران مخصوصا حضرت فاطمه زهرا (سلام الله علیها) نقش زیادی در از بین بردن این عقیده غلط در میان مردم داشت. پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) در مقابل چشم مسلمانان حضرت فاطمه را می بوسیدند و او را پاره تن خود می خواند و خشم و غضب فاطمه را به منزله خشم و غضب خداوند می دانست و می فرمود:

«خَیْرُ اَوْلادِکُمْ اَلْبَناتُ»

«بهترین فرزندان شما، دختران هستند.» و می فرمود:

«دختران مهربانند، آماده کمک می باشند و وجودشان مبارک است».

همچنین رسول گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله) همیشه کراهت والدین را به داشتن فرزند دختر ناخوشایند می دانست و می فرمود:

(لا تُکْرِهُوا الْبَناتِ، فَاِنَّهُنَّ الْمُؤنِساتُ الغالِیاتُ)

«از این که فرزند شما دختر باشد کراهت نداشته باشید به درستی که دختران مونس انسان می باشند و گرانبها هستند».

روایت شده که مردی از اصحاب امام صادق (علیه السلام) دارای فرزند دختری شد. اندوهگین شد و خشم آلود نزد امام صادق (علیه السلام) رفت. آن حضرت از او پرسید: اگر خداوند بخواهد به تو چیزی ببخشد و از تو بپرسد که من برای تو انتخاب کنم یا خودت انتخاب می کنی چه جواب می دهی؟ آن مرد گفت: می گویم پروردگارا! خودت انتخاب کن. حضرت فرمود: به درستی که خداوند، فرزند دختر را برایت انتخاب کرده است. سپس فرمود: در ماجرای موسی و خضر (علیهم السلام) آنگاه که خداوند اراده کرد که مرگ پسری فرا رسد و در قرآن فرمود: «و خواستیم که پروردگارشان آن دو را به پاک تر و مهربان تر از او عوض دهد.» خداوند به پدر و مادر آن پسر در عوض او دختری عطا کرد که از نسل آن دختر هفتاد پیامبر به دنیا آمد.

4- برخورد عاطفی و محبت به دختران

رسول گرامی اسلام خود در این مورد نمونه کاملی بود و برخورد و رفتار او با دخترش برای اعرابی که هیچ ارزشی برای دختران خود قائل نبود، اعجاب آور بود. در روایت آمده است: «پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) دخترش فاطمه (سلام الله علیها) را بسیار تکریم می نمود. احترام پیامبر (صلی الله علیه و آله) به دخترش بیش از آن چیزی بود که مردم تصور می کردند، نیز بیش از احترام معمول پدران به دخترانشان بود. آن حضرت بارها در برابر دوستان و بستگان و نیز در مقابل همه مردم فرمود: فاطمه سرور زنان جهان است، یا این که فاطمه همچون حضرت مریم (سلام الله علیها) دختر عمران است.

احترام گذاردن به دختران و تکریم آنها در سیره امامان معصوم هم دیده می شود. نقل شده که امام صادق (علیه السلام) دختری داشت که از دنیا رفت و آن حضرت یک سال برای او عزاداری کرد.

در سیره اهل بیت در برخی موارد حتی دختران بر پسران ترجیح داده شده اند. پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) فرموده است: در هدیه و بخشش به فرزندان خود بین آنها به مساوات رفتار نمایید و در صورتی که ناگزیر از ترجیح برخی از آنها بر برخی دیگر باشید دختران را بر پسران ترجیح دهید. نیز فرموده است: هر که از بازار خرید کند و به منزل ببرد ثواب کسی را دارد که می خواهد به نیازمندان صدقه بدهد. سپس هنگامی که می خواهد مایحتاج خانواده اش را به آنها بدهد باید اول از دخترها شروع کند و ابتدا به آنها بدهد.

امام صادق (علیه السلام) نیز در حدیثی می فرماید: دختران حسنه هستند و پسران نعمت، به واسطه حسنات اجر عطا می شود و از نعمتها سؤال می شود.

5- بزرگداشت مقام مادران

والدین به سبب حقوق زیادی که بر فرزندان دارند در مکتب اسلام مقام و منزلت والایی دارند و قرآن کریم اطاعت و نیکی به پدر و مادر را پس از پرستش خدا و شهادت به وحدانیت خداوند مطرح کرده است.

(وَ اعْبُدُواللّهَ تُشْرِکُوا بِهِ شَیْئا وَ بِالْوالِدَینِ اِحْسانا).

با این که پدر و مادر هر دو حق بزرگی بر فرزندان دارند اما در مورد احترام گذاردن و تکریم مادران سفارش بیش تری شده است:

(وَ وَصَّیْنَا الاِنْسانِ بِوالِدَیْهِ اِحْسانا حَمَلَتْهُ اُمُّه کُرْها وَ وَضَعَتْهُ کُرْها و حَمَلُهُ وَ خِصالُهُ ثَلاثُونَ شَهْرا...).

«آدمی را به نیکی کردن با پدر و مادر خود سفارش کردیم مادرش بار او را به دشواری برداشت و به دشواری بر زمین نهاد و مدت حمل تا از شیر گرفتنش سی ماه است.»

در روایات اهل سنت نیز سفارش زیادی در مورد مادران شده است. پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله) فرمود:

«اگر نماز نافله می گذاردی و پدرت تو را صدا زد نماز را بر هم مزن، و اگر مادرت تو را صدا زد آن را بر هم بزن.

این روایت اوج منزلت مادر و حق بزرگ او را بر فرزند نشان می دهد که در هنگام نماز که بالاترین عبادتهاست می تواند آن را بر هم زند تا پاسخ گوی مادرش باشد. موضوع دیگر آنکه در بسیاری از روایات محبت و احترام به مادر مقدم بر پدر است و دعای او هم بیش تر در حق فرزند به اجابت می رسد. شاید این روایات اشاره به احساسات لطیف و عواطف مادرانه او دارد که بسیار زودتر از پدر اندوهگین و یا شاد می شود و در حق فرزند دعا می کند.

امام رضا (علیه السلام) می فرماید:

«بدان که حق مادر واجب ترین و لازم ترینِ حقوق است؛ زیرا که مادر دشواری بارداری را بر خویش هموار می سازد، آنگاه که هیچ کس چنین شکیب نمی آورد و با چشم و گوش و تمام وجود از فرزند پاسداری می کند. با خرسندی و شادمانی کودک را با همه مشکلات که کسی یارای تحمل آن نیست نگه داری می کند. مادر با خشنودی گرسنه می ماند تا فرزند سیر باشد؛ تشنگی می کشد تا او سیراب شود برهنه می ماند و فرزند را لباس می پوشاند؛ او را در سایه قرار می دهد و خود در سوز آفتاب شکیب می آورد. باید پاسداشت و نیکی و نرمش با مادر به فراخور فداکاریهایش باشد؛ هر چند شما توان آن را ندارید که کم ترین حقوق او را ادا کنید، مگر به یاری خداوند.»

از امام باقر (علیه السلام) نیز روایت شده که فرمود:

حضرت موسی (علیه السلام) به خداوند گفت: مرا نصیحت کن. خداوند فرمود: به مادرت نیکی کن. حضرت موسی بار دوم، خواسته اش را تکرار کرد. خداوند فرمود: به مادرت نیکی کن. حضرت موسی برای بار سوم گفت: مرا نصیحت کن و همان جواب را شنید. بار دیگر تکرار کرد و خداوند فرمود: به پدرت نیکی کن.»

این روایت نشانگر این مطلب است که مقام مادر بسیار بالاتر از مقام پدر است و دین اسلام برای زن به عنوان مادر ارزش و حقوق والایی را در نظر دارد که بسیاری از سردمداران فمنیسیم از آن بی خبرند؛ حتی در مواردی می کوشند تا این منزلت را از زن بگیرند و فرزند دار بودن زنان را کسر شأن معرفی کنند و زنانی را که از داشتن فرزند و مادر بودن به خاطر انجام وظایف مردانه در جامعه و یا بهره گیری بیش تر از لذایذ دنیوی می گریزند، ستایش می کنند!

6- حمایت از زنان آسیب دیده در عرصه های اجتماعی

در سیره پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) و امام علی (علیه السلام) و دیگر امامان معصوم (علیهم السلام) می بینیم که آنان اهتمام ویژه ای در رسیدگی به امور زنان آسیب دیده مانند زنان سالخورده، زنانی که مورد ظلم قرار گرفته اند و زنان بیوه و یتیم دار داشته اند و داستانهای متعددی در این باره نقل شده است. پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله) در این باره فرمودند:

«آن که در کار بیوه و یتیم بکوشد چون مجاهد راه خدا یا نمازگزار شب و یا روزه دار روز است.»

امام باقر (علیه السلام) نیز روایتی را در این باره نقل می کنند که حضرت علی (علیه السلام) در اواسط تابستان در منزل بود که زنی آمد و گفت: همسرم به من ظلم می کند و مرا می ترساند و حقوقم را پایمال می کند و قسم خورده تا مرا مورد ضرب و شتم قرار دهد، حضرت فرمود: ای بنده خدا صبر کن تا هوا خنک تر شود تا همراه تو بیایم و با شوهرت صحبت کنم. زن گفت: تا آن موقع خشمش بر من بیش تر می شود. حضرت سرش را به زیر افکند و فرمود: به خدا قسم حق مظلوم را بدون هیچ تأملی خواهم ستاند. منزل شما کجاست؟ پس همراه زن به طرف منزلش به راه افتادند. به در منزل که رسیدند، حضرت سلام کرد. جوانی از منزل خارج شد. حضرت فرمود: ای بنده خدا تقوای الهی پیشه کن! چرا او را ترسانده ای و از منزل خارج کرده ای؟ مرد جوان برخورد تندی با حضرت کرد. در این موقع عابرین به حضرت سلام کردند و گفتند: السلام علیک یا امیر المؤمنین! در این وقت مرد در مقابل امام بر زمین افتاد و تقاضای بخشش کرد و گفت: به خدا قسم از این پس چون زمینی زیر پا و قدمهای او خواهم بود. حضرت خطاب به زن فرمود: ای بنده خدا! داخل منزلت شو و مراقب باش همسرت را خشمگین نسازی.

پس از آنکه عایشه با همدستی تنی چند جنگ جمل را بر پا کرد و مشکلات زیادی برای حکومت نوپای امیر المؤمنین به وجود آورد، امام علی (علیه السلام) با عفو و گذشت با وی برخورد کرد و او را با احترام به همراه برادرش به مدینه بازگرداند..

امیر مؤمنان (علیه السلام) حتی پس از ضربت خوردن در 19 رمضان در آخرین وصایای خود نسبت به زنان سفارش کرد و فرمود:

(اللّهَ، اللّهَ فِی النِّساءِ وَ ما مَلَکَتْ اَیْمانُکُمْ، فَإنَّ آخِرَ ما تَکَلَّمَ بِهِ نَبِیُّکُمْ أَنْ قَالَ: اُوصیکُم بِالضَّعیفَیْنِ؛ النِّساءِ وَ ما مَلَکَتْ اَیْمانُکُمْ).

«خدا را خدا را، نسبت به زنان و بردگان، زیرا آخرین سخن پیامبر بر شما این بود که شما را نسبت به زنان و بردگان سفارش می کنم.»

روایات در این زمینه بسیار است و امامان معصوم (علیهم السلام) در همه زندگی خود در رابطه با زنان علاوه بر رفتار پسندیده و کریمانه، نقش زیادی در احیای حقوق زنان ستمدیده و حمایت از آنها داشتند و به قدری از جانب آنان در این زمینه سفارش شده است که شیخ صدوق - حدیث شناس بزرگ شیعه که نزدیک به عصر امامان معصوم (علیهم السلام) می زیسته است - در بیان معیارها و مشخصات شیعیان می گوید:

«وَ مِن شَرائِطِ الامامِیّةِ... الْیَقینُ،... وَ اَداءُ الامانَةِ إلَی الْبَرِّ وَ الْفاجِرِ وَ... الاحْسانُ إِلَی النِّساءِ»

«از ویژگیها و شرایط شیعه بودن، یقین، امانت داری نسبت به نیکوکار و فاجر و... احسان به زنان است.»

احادیث و سفارشها در مورد زنان به این موارد ختم نمی شود و به حدی است که شیخ صدوق، احسان و محبت به زنان را از شرایط شیعه بودن بیان می کند. اسلام زن را در جایگاه خود بسیار عزیز و محترم شمرده است و دستوراتی که بیان کرده، همه مطابق با نقش و ظرافتها و ظرفیت های جسمی و روحی او است؛ بر خلاف مکتبهای امروزی که با برنامه های فریبنده و با بیان شعار آزادی زنان و تساوی حقوق زن و مرد، زن را در قفسی به نام آزادی محبوس می کنند و او را پلی برای رسیدن به اهداف پلید سیاسی و اقتصادی خود قرار می دهند.

پی نوشتها:

1. ویل دورانت، لذات فلسفه، ص 156.

2. سوره نساء (4) آیه 19.

3. سوره بقره (2) آیه 231.

4. سوره بقره (2) آیه 233.

5. مستدرک، ج 14، ص 255.

6. نهج الفصاحه، ص 318.

7. وسائل الشیعه، ج 14، ص 11.

8. وسائل الشیعه، ج 14، ص 9.

9. بحار، ج 104، ص 91.

10. کنز العمال، حدیث 49399.

11. همان، حدیث 45374.

12. بحار، ج 13، ص 311.

13. همان، ج 22، ص 236.

14. همان، ج 82، ص 84.

5 1. کنز العمال، حدیث 45346

6 1. بحار، ج 104، ص 69.

17. بحار، ج 104، ص 90.

8 1. سوره نساء (4) آیه 36.

19. سوره احقاف (46) آیه 15.

20. مستدرک الوسائل، ج 15، ص 181.

21. همان، ج 15، ص 181.

22. همان، ص 180.

23. بحار، ج 4، ص 57.

24. همان، ج 42، ص 248 و 249.

5 2. بحار، ج 10، ص 405.